

دکتر وندی ال. ویدر، دانیل، جلسه ۱۵، دانیل ۲۰:۹-۲۷، دیدگاه‌هایی درباره ۷۰ هفته

© 2024 Wendy Widder و Ted Hildebrandt

این دکتر وندی ویدر در حال تدریس در مورد کتاب دانیل است. این جلسه ۱۵، دانیل ۹: ۲۰-۲۷، دیدگاه‌هایی در مورد ۷۰ هفته

است. این سومین و آخرین سخنرانی در مورد دانیل ۹ است. و کاری که من می‌خواهم در این سخنرانی انجام دهم، صحبت در مورد برخی از دیدگاه‌های مختلفی است که مردم در مورد تفسیر ۷۰ هفته دارند.

بنابراین، در سخنرانی قبلی، در مورد مسائلی، یا حداقل برخی از مسائلی، که در تفسیر ۷۰ هفته دخیل هستند صحبت کردیم. چند مورد دیگر هم وجود دارد که به آنها نپرداختم، اما در بیشتر موارد، دیدگاه فرد در مورد این مسائل، دیدگاه او در مورد ۷۰ هفته را نیز تعیین می‌کند. بنابراین اجازه دهید قبل از اینکه به پر کردن نمودار بپردازیم، آن را برای شما ترسیم کنم.

خب، مسائل اینجا تمام شد. مسئله اول مربوط به این است که یک شخص چه درکی از کلمه‌ای که قرار بود باشد، دارد. نقطه شروع ۷۰ هفته چیست؟ آن کلمه چه بود؟ مسئله دوم هویت این اولین مسح شده است. که مسیح شاهزاده نیز نامیده می‌شود.

ضمناً، من از نموداری استفاده می‌کنم که بر اساس کتاب جان والتون در مورد نمودارهای عهد عتیق است. بنابراین، من آن را کمی دستکاری کرده‌ام تا آن را مال خودم کنم، اما این اساس چیزی است که من استفاده می‌کنم. سپس، این مسئله سوم این است که چگونه ۶۲ هفته را بخوانیم.

و اینجا فضای کافی ندارم، اما بخشی از آن مربوط به این است که آیا فقط ۶۲ را بخوانید یا ۷ را به آن اضافه کنید. بنابراین این ردیف خواهد بود. سپس، این مسئله هویت دومین مسح شده، آن مسیح دوم، کسی که منقطع شده است، است.

و سپس سوالی در مورد اینکه چه کسی عهد و پیمانی را که آیه ۲۷ به آن اشاره می‌کند، کسی که برای یک هفته عهد می‌بندد، مطرح می‌شود. ما در سخنرانی قبلی در مورد این موضوع صحبت نکردیم، اما حداقل گزینه‌های موجود را در اینجا برای شما مشخص خواهم کرد. و سپس سوالی در مورد هفته هفتم مطرح می‌شود.

هفته هفتم چه زمانی به پایان می‌رسد؟ این پیشگویی‌ها چه زمانی محقق می‌شوند؟ نکته دیگری که در مورد آن بحث نکردیم این است که برخی از محققان، هفته هفتم را از ابتدا تا انتها به صورت پیشرفت می‌خوانند؛ همه چیز تمام شده است. اما گروهی از محققان، یکی از دیدگاه‌های اینجا، معتقدند که بین ۷۰ هفته فاصله‌ای وجود دارد. بنابراین، آنها شروع می‌کنند، اما قبل از پایان هفته، این فاصله زمانی نامشخص وجود دارد.

بنابراین، خود پیشگویی در مورد نقطه میانی صحبت می‌کند. و بنابراین، برای این محققان، نقطه میانی سپس یک شکاف نیز بعد از آن وجود دارد. بنابراین، این همان مسئله نهایی است.

خب، بیایید شروع کنیم. اولین دیدگاهی که می‌خواهم بررسی کنم، دیدگاه مکابیان است. این دیدگاه گاهی اوقات دیدگاه انطاکیان نیز نامیده می‌شود.

این یک دیدگاه تاریخی است و منعکس کننده این ایده است که کل پیشگویی در زمان آنتیوخوس اپیفانس محقق شده است. بنابراین، در این مورد، کلمه‌ای که گفته شد در سال ۶۰۵ یا ۵۸۶ اتفاق افتاد، بسته به اینکه دقیقاً کدام کلمه را می‌خواهید انتخاب کنید. و احتمالاً یکی از کلمات ارمیا است.

و باز هم، این حرف آخر در مورد همه این دیدگاه‌ها نیست. در هر یک از آنها تنوع‌هایی وجود دارد. بنابراین، من فقط خلاصه‌ای از آن را برای شما بیان می‌کنم.

اما مطمئن باشید اگر این نمودار را به تفاسیر ببرید، تقریباً در هر یک از آنها تغییراتی خواهید یافت. بنابراین یکی از سخنان ارمیا، یکی از پیشگویی‌های ارمیا در مورد بازگشت از تبعید. اولین مسح شده یکی از سه شخصیتی است که با بازگشت از تبعید مرتبط است.

بنابراین یا باید کوروش باشد که فرمان بازگشت آنها را صادر کرد، یا باید زروبابل باشد. من همیشه باید ببینم زروبابل چگونه نوشته می‌شود. کسی که در یکی از بازگشت‌ها مردم را همراهی کرد.

یا یوشع، کاهن اعظم آن زمان، می‌توانست باشد. در دفاع از استفاده از کلمه مسیح برای هر یک از این افراد، کوروش در کتاب اشعیا به عنوان مسح شده یهوه معرفی شده است. بنابراین، زروبابل و یوشع هر دو پسران روغن هستند که می‌تواند پسر یک مسح باشد.

بسیار خوب. ۶۲ هفته، مدت زمانی که در طول ۶۲ هفته، یعنی پس از پایان ۷ هفته اول در اینجا، پوشش داده شده است، از ۵۳۸-۵۳۹ تا ۱۷۰ است. بگذارید خودتان محاسبه کنید؛ در واقع ۴۹۰ سال نیست؛ اگر برایتان مهم است، ۳۶۷ سال به معنای واقعی کلمه است.

این دوره زمانی از کوروش تا آنتیوخوس چهارم است. و سپس مسح شده، هویت مسح شده دوم، کسی که در پایان ۶۲ هفته حذف می‌شود، اونیاس سوم است که آخرین کاهن اعظم مشروع زادوکیت در دوره معبد دوم بود. او در سال ۱۷۱ ترور شد.

ای عهدبند، بگذار فقط آن آیه را برای بخوانم. پس، پس از ۶۲ هفته، یک فرد مسح شده منقطع خواهد شد و چیزی نخواهد داشت. قوم آن شاهزاده‌ای که قرار است بیاید، شهر و معبد را ویران خواهند کرد.

در مورد اینکه دقیقاً چه کسی است، ایده‌های مختلفی وجود دارد، اما این موضوعی نیست که ما به آن بپردازیم. پایان آن با سیل خواهد بود و تا پایان، جنگ وجود خواهد داشت. ویرانی‌ها مقدر شده‌اند.

و سپس آیه ۲۷ می‌گوید، و او به مدت یک هفته با بسیاری پیمان محکمی خواهد بست. سوال این است که این او کیست؟ از نظر نحو و دستور زبان نامشخص است. بنابراین، از این دیدگاه، او آنتیوخوس چهارم است و با یهودیان مرتد یا از دین برگشته پیمان می‌بندد.

اینها معمولاً یهودیانی بودند که به شدت طرفدار یونانی‌سازی اورشلیم و یهودیه بودند. بسیار خوب، پس هفته هفتم، وقایع هفته هفتم، شامل آزار و اذیت آنتیوخوس در قرن دوم قبل از میلاد می‌شود. بنابراین این از سال ۱۷۱، یعنی تاریخی که اونیاس سوم کشته می‌شود، تا سال ۱۶۴، یعنی زمانی که شورش مکابیان رخ می‌دهد و معبد بازسازی می‌شود، خواهد بود.

همچنین می‌خواهم در ادامه، برخی از مفسرانی که این دیدگاه‌ها را دارند، برای شما معرفی کنم. فکر می‌کنم این می‌تواند برای شما مفید باشد. بنابراین، این دیدگاه عموماً انتقادی است.

مفسرانی مانند جان کالینز از مجموعه هرمینیا، کارول نیوسام و اساساً هر تفسیری که آشکارا انجیلی یا مسیحی نباشد، این دیدگاه را خواهند داشت. همه اینها در طول قرن دوم قبل از میلاد تحقق یافته است. با این حال، محققان انجیلی وجود دارند که این دیدگاه را دارند اما می‌گویند در اینجا یک نوع شناسی وجود دارد. این الگوی رفتاری وجود دارد.

اگرچه این وقایع در قرن دوم میلادی به وقوع پیوستند، اما این اتفاق جزئی بود و این الگو تا پایان زمان به نوعی، شکل یا قالبی تکرار خواهد شد. محققانی که این دیدگاه را دارند - من، جان گلدینگی، فکر می‌کنم هدر ایل، ارنست لوکاس - رویکرد گونه‌شناختی‌تری را اتخاذ می‌کنند. آنها با یک تحقق اولیه شروع می‌کنند، اما سپس اهمیت مداوم آن را در کتاب مقدس و ادامه آن را در تاریخ می‌بینند.

بسیار خوب، دیدگاه دوم، دیدگاه رومی است که گاهی اوقات، یا چیزی که من می‌نامم، دیدگاه تاریخی مسیحایی نیز نامیده می‌شود. و دلیل اینکه من آن را این می‌نامم این است که به این معنا تاریخی یا تاریخی است که به تحقق در تاریخ اشاره دارد. درست مانند این، این نیز یک دیدگاه تاریخی یا تاریخی است، آن دیدگاه‌های گیج‌کننده را درک کنید.

برچسب مسیحایی که من به آن داده‌ام به این معنی است که حداقل یکی از مسح‌شدگان، عیسی مسیح، محسوب می‌شود. این همان معنای برچسب مسیحایی است. حداقل یکی، احتمالاً هر دو، از مسح‌شدگان، عیسی مسیح محسوب می‌شوند.

بنابراین، از این دیدگاه، معمولاً کلمه‌ای که صادر شده، یکی از چهار فرمان پاریسی تلقی می‌شود. بنابراین، ما در مورد چهار فرمان از پادشاهان پاریسی صحبت کردیم. یکی توسط کوروش در سال ۵۳۹، سپس فرمان بعدی توسط داریوش اول در سال ۵۲۲، فکر می‌کنم، و سپس اردشیر چند فرمان دیگر در اینجا داشت.

همه آنها در جایی از کتاب مقدس، به عنوان یک فرمان فارسی، بازگو شده‌اند. بنابراین، هر یک از آنها، می‌تواند فرمانی برای کلامی باشد که برای بازسازی و احیای اورشلیم صادر شد. مسیح شاهزاده از این منظر، عیسی است و او همچنین دومین مسح شده است.

بنابراین، کاری که آنها اینجا با این ۶۲ هفته انجام می‌دهند این است که شما باید ۶۲ را به اضافه ۷ جمع کنید. شما آنها را به عنوان یک واحد معادل ۶۹ می‌خوانید، و این زمان را از فرمان تا نقطه‌ای از زندگی عیسی در بر می‌گیرد. بنابراین، عیسی دومین مسح شده‌ای است که منقطع می‌شود. او کسی است که عهد می‌بندد.

بنابراین، او کسی است که عهد می‌بندد، در واقع عهد جدید همان عهدی است که این دیدگاه به آن اشاره دارد. سپس، هفته هفتم با تخریب معبد توسط رومیان به اوج خود رسید. بنابراین، هر آنچه در این ۷۰ هفته گفته شده، تا زمانی که رومیان معبد را تخریب کردند، یا با تخریب معبد در سال ۷۰ میلادی، محقق شده است.

بنابراین، این یک امر تاریخی است، تاریخی از این جهت که همه چیز به انجام رسیده است. از این جهت که عیسی یکی از مسح‌شدگان است، یک امر مسیحایی است. برای رسیدن به این هدف، باید این‌ها را به عنوان یک واحد بخوانید.

بسیار خوب، این هم از آن دیدگاه. او، بعضی از مفسران. در واقع، مفسرانی که من دارم و این دیدگاه را دارند، دیدگاهی تطبیقی از آن دارند.

بنابراین، آنها این تحقق اولیه را خواهند دید، اما در واقع، یکی از آنها نوعی تحقق گونه‌شناختی را می‌بیند که هنوز در راه است. بنابراین، جویس بالدوین این دیدگاه را دارد، اما آن را اصلاح کرده است. بنابراین، او می‌گوید، بله، تحقق یافت، اما این تمام داستان نیست

اینجا یک الگو وجود دارد. یک پیشگویی وجود دارد که هنوز در راه است. پس، او یکی از آنهاست

یانگ این دیدگاه را دارد، و من واقعاً به یاد نمی‌آورم که آیا او آن را اصلاح کرده و رضایت بیشتری را در آن دیده است یا خیر. اما می‌دانم که او تا به اینجا به دیدگاه رومی پایبند بوده است. اینکه آیا فراتر از آن می‌رود یا خیر، به خاطر نمی‌آورم

فکر می‌کنم همینطور است. خب، این دیدگاه رومی، دیدگاه تاریخی مسیحایی است. بعد دیدگاه‌هایی داریم که آخرالزمانی هستند

این در تضاد با آن‌هایی است که در تاریخ تحقق یافته‌اند. آن‌ها به طور کامل تحقق یافته بودند. اکنون، ما به دیدگاه‌هایی نگاه می‌کنیم که تحقق را به آینده موکول می‌کنند و در واقع تحقق را نمی‌بینند

آنها به هیچ وجه تحقق کامل را در تاریخ نمی‌بینند. هنوز در انتظار تحقق است. این دو دیدگاه می‌گویند که یک تحقق اولیه وجود دارد

این کار انجام شده است. برای برخی از ما، کارهای بیشتری در راه است. الگویی وجود دارد که در حال انجام است.

این افراد می‌گویند، نه، همه چیز از همان ابتدا محقق نشده بود. ما هنوز منتظر تحقق اولیه هستیم. بنابراین، این دسته به دو دسته تقسیم می‌شود

شما نمادگرایی را دارید، و سپس بازه را. بنابراین، بیایید ابتدا به نمادگرایی بپردازیم. و البته انواع مختلفی از این مورد وجود دارد، زیرا این باعث می‌شود که سرگرم‌کننده‌تر شود

کلمه‌ای که صادر می‌شود فرمان کوروش است، بنابراین ۵۳۹ سال قبل از میلاد. اولین مسح شده و دومین مسح شده عیسی هستند. بنابراین، باید اضافه کنید، خب، در واقع، شما این دو را اینجا با هم جمع نمی‌کنید

این عیسی است. شما این دو را با هم جمع می‌کنید. و بعد اینجا یک شکاف وجود دارد، عصر کلیسا

و سپس مسیح دوم، همان شخص است، اما در برهه‌ای متفاوت از تاریخ. در دوران مصیبت بزرگ. کمی. شانه‌هایم را بالا می‌اندازم چون این منظره در نمودار است و من بارها و بارها به آن نگاه کرده‌ام

من هنوز مفسری را پیدا نکرده‌ام که فکر کنم این دیدگاه را منعکس کند. بنابراین، دقیقاً از تمام جزئیات آن مطمئن نیستم زیرا نتوانسته‌ام مفسری را پیدا کنم که این مسیر را برود. مطمئنم که یکی وجود دارد وگرنه در نمودار نبود

بنابراین، عیسی در دوران مصیبت. سپس، عهدکننده در این دیدگاه، دجال است. بنابراین، دجال با قوم اسرائیل عهد می‌بندد؛ من فرض می‌کنم که این دیدگاه نیز آن را اینگونه تفسیر می‌کند

هفته هفتادم، دوران مصیبت بزرگ است و بقیه دوران مصیبت نمادین است. بسیار خوب، دیدگاه نمادین دیگر: این کلام، کلام نبوی ارمیا است. این کلام، کلام او را در ۵۹۷ یا ۴ مشخص می‌کند، اما فکر می‌کنم احتمالاً می‌توانید هر کدام را بگویید.

و اجازه دهید لحظه‌ای مکث کنم. دلیل اینکه در اینجا دو تاریخ وجود دارد این است که به یاد داشته باشیم. ارمیا دو پیشگویی متفاوت دارد. ما احکام فارسی متفاوتی داریم.

خب، چطور کسی تصمیم می‌گیرد کدام یک از این‌ها را قبول دارد؟ خب، این به نحوه‌ی محاسبه‌ی آن‌ها بستگی دارد. بنابراین، اگر قرار است ۴۹۰ سال را در نظر بگیرند، باید یک نقطه‌ی شروع را انتخاب کنند می‌دانید، اگر ۴۹۰ سال را نسبتاً تحت‌اللفظی در نظر بگیرید، باید به نحوی محاسبات را به کار بیندازید. این مشخص می‌کند که کدام یک از فرامین پارسی و کدام یک از پیشگویی‌های ارمیا مد نظر بوده است.

سپس این می‌تواند به نوعی تفاوت جزئی در بقیه نحوه عملکرد ریاضی برای رسیدن به تقریباً ۴۹۰ سال ایجاد کند. و از دیدگاه نمادین، ما دقیقاً نگران ۴۹۰ سال نیستیم، زیرا همه چیز به عنوان نمادین درک می‌شود. بنابراین، اگر ریاضی درست کار نکند، واقعاً مهم نیست.

بسیار خوب، دومین دیدگاه نمادین چیزی است که من اینجا روی آن کار می‌کنم. فرد مقدس ما کوروش است، که با تبعید مرتبط است. سپس، این ۶۲ هفته به عنوان یک بازه زمانی نامشخص از کوروش تا پایان، مانند پایان زمان، درک می‌شوند.

بنابراین، این یک دوره زمانی نامحدود است که هنوز در حال انجام است. بنابراین، از اینجا به بعد، همه چیز تحقق آینده‌ای است که در انتظار آن هستیم. از این دیدگاه، دومین مسح‌شده در واقع دجال است.

این دیدگاه متعلق به توماس مک کومیسکی است، که گمان می‌کنم در دهه ۸۰ میلادی مقاله‌ای در مجله الهیات وست‌مینستر نوشته است، جایی که او در مورد دیدگاه‌های مختلف و جزئیات اینکه چرا این مسیر را می‌رود صحبت می‌کند. او می‌گوید این موضوع خلاف شهود به نظر می‌رسد، اما ادعا می‌کند که در کتاب دانیال، نحوه به تصویر کشیدن این شخصیت، در واقع مناسب به نظر می‌رسد. بنابراین، او می‌گوید که این همان دجال است.

او می‌گوید که عهدکننده، دجال است. و سپس ۷۰ هفته یا هفتادمین هفته، دوران مصیبت بزرگ است. از نظر اینکه کدام یک از این دیدگاه‌ها مسیحایی است، این یکی مسیحایی است.

این اولی... این مسیحایی است زیرا عیسی مسیح یا حداقل یکی از مسح‌شدگان است. این دیدگاه، اگرچه آخرالزمانی است و در انتظار تحقق است، مسیحایی محسوب نمی‌شود زیرا عیسی هیچ یک از مسح‌شدگان نیست.

سپس، به دیدگاه فاصله‌ای می‌رسیم. من توماس مک کومیسکی را نمی‌شناسم که تفسیری بر کتاب دانیال داشته باشد، اما او این استدلال را برای این موضع در آن مقاله در مجله الهیات وست‌مینستر مطرح می‌کند. من هیچ مفسر دیگری را نمی‌شناسم که چنین دیدگاهی داشته باشد.

این دیدگاه فاصله‌ای، کلمه‌ای که بیرون می‌آید یکی از فرامین یک پادشاه پارسی است، اما به طور خاص یکی از فرامین اردشیر است. بنابراین، اردشیر دو فرمان در دهه ۴۰۰، ۴۵۸ یا ۴۴۵ اردشیر دارد. و این فرمان‌ها در کتاب مقدس در عزرا و نحمیا آمده‌اند.

اولین فرد مسح شده، عیسی است. این دیدگاه، ۶۲ هفته به علاوه ۷ هفته را به یک دوره‌ی زمانی، یعنی ۶۹ هفته، اضافه می‌کند. همچنین در برخی از نسخه‌های این دیدگاه، بحثی در مورد سال‌های نبوی و چگونگی تأثیر آن بر ۴۹۰ سال وجود دارد.

واقعاً گیج‌کننده می‌شود، اما اگر در حال خواندن تفسیری هستید و آنها استدلال می‌کنند که سال‌ها مدت زمانی متفاوت از یک سال سنتی هستند، ممکن است متوجه شوید که احتمالاً در مورد چیزی که آنها سال نبوی می‌نامند صحبت می‌کنند. این دوره زمانی با ورود پیروزمندانه عیسی در انجیل‌ها به پایان می‌رسد. مسیح منقطع شده، عیسی در زمان مصلوب شدن است.

پس عهدکننده، دجال است. این اتفاق در طول هفته هفتادم رخ می‌دهد، بنابراین این دیدگاه مطمئناً شکافی را در هفته هفتادم می‌بیند. هفته هفتادم، دوران مصیبت بزرگ است.

بنابراین، در این دیدگاه یک شکاف قابل توجه وجود دارد. این دیدگاه کاملاً نمونه‌ای از دیدگاه تدبیرگرایانه نوشته‌ی استیون میلر NAC است. بنابراین، تفسیری که من دارم و آن را به روشنی شرح می‌دهد، تفسیر است.

این یک مجموعه واقعاً محبوب است. در واقع، میلر در طرح کلی مسائل و ارائه دیدگاه‌های مختلف، کار خوبی انجام می‌دهد. من این را در مورد میلر صادق یافته‌ام.

او مفسر بزرگی است. او مفسر بزرگی است. بنابراین، این دیدگاه تدبیرگرایانه است که در آنجا منعکس شده است.

این دیدگاه هم مسیحایی است، درست است؟ چون عیسی هر دو از مسح‌شدگان است. پس این دیدگاه آخرالزمانی و مسیحایی است. این دیدگاه، آخرالزمانی و غیر مسیحایی است.

این یک مسیحایی آخرالزمانی است. هیچ یک از این دو از نظر فنی آخرالزمانی نیستند، اگرچه در هر دو ستون محققانی هستند که تحقق نمادین را در جایی در آینده ممکن می‌دانند. بنابراین، این فقط نوک کوه یخ است.

به شما اطمینان می‌دهم، اگر به ۷۰ هفته علاقه‌مند هستید، می‌توانید مطالب خواندنی فراوان و موضوعات مختلف زیادی را برای دنبال کردن پیدا کنید. تک تک این موضوعات، به علاوه چندین موردی که من حتی در مورد آنها صحبت نکردم. اکثر مفسران در مورد هر کدام از آنها نوعی دیدگاه دارند یا سعی می‌کنند پازل را، به گونه‌ای کنار هم قرار دهند که نحو دشوار، ابهام یا مسائلی را که ما زمینه مناسبی برای درک آنها نداریم، درک کنند.

اما امیدوارم این به شما کمی درک دهد که چگونه سنت‌های مختلف و مفسران مختلف، محققان مختلف به درک ۷۰ هفته نزدیک می‌شوند. پس موفق باشید. من دکتر وندی ویتز هستم، آموزش درونی در مورد کتاب دانیال.

من دکتر وندی ویدر هستم در حال تدریس در مورد کتاب دانیال. این جلسه ۱۵، دانیال ۲۰:۹-۲۷، دیدگاه‌هایی در مورد ۷۰ هفته است.